

# ژورنال

شماره ۸۴۱

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴ - ۱ مهر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

کشتار کارگران در معدن زغال سنگ طبس

حسن صالحی

ترک تحصیل برای نان شب

کیوان جاوید

سفر پزشکیان به نیویورک، تکرار بیهوده

سینا پدرام

۵۰۰ میلیون دلار فقط برای خرید خانه

پتی دبونیتاس

حزب الله در دام مرگ

سوال از محسن ابراهیمی

# کشتار کارگران در معدن زغال سنگ طبس

## حسن صالحی

آنچه که شامگاه روز شنبه ۳۱ شهریور در معدن زغال سنگ طبس اتفاق افتاده است یک جنایت هولناک و قتل عامدانه کارگران است. حدود ۵۰ نفر از کارگران این معدن که با دستمزدی بخورونمیر کار می‌کردند به دلیل بی‌توجهی کارفرما و در نبود سیستم تهویه در معدن کشتار شدند. نسرین هزاره مقدم در گزارشی در این باره نوشته است که: "تهویه مطبوع در کار نبوده، بازهم گازسنجی انجام نگرفته و شاهدان عینی می‌گویند تجهیزات این معدن خصوصی که همه خارجی و وارداتی هستند، کهنه و فرسوده بوده‌اند

و حتماً بازرسان به این معدن خصوصی سر نزده‌اند که چنین حادثه‌ای با این ابعاد هولناک ناگهان از راه رسیده است.

مسئله بر سر خصوصی بودن این معدن نیست. کل اقتصاد ایران بر همین پایه استوار است و در این اقتصاد چه در مراکز دولتی و چه در مراکز خصوصی محیط کار به قتلگاه کارگران تبدیل شده است. حتی همان موازینی که بر روی کاغذ نوشته شده است هم رعایت نمی‌شود.

طبس و خراسان و ایران داغدار است. به خاطر کارگرانی که این چنین به دلیل قصور سرمایه‌داران در تأمین ایمنی محیط کار کشته شدند. به خاطر

کسانی که رنج زحمت خود را با تحمل مشقت و کار سخت در اعماق زمین می‌خوردند. این مرگ و یا بهتر بگوییم قتل دسته‌جمعی کارگران نباید بی‌جواب بماند. ضمن ابراز همبستگی با خانواده و بستگان کارگران کشته شده، بیایید که همه کسانی را که در کشتار کارگران در محیط‌های کار نقش دارند مورد بازخواست جدی قرار دهیم. نوشدارو بعد از مرگ سهراب فایده ندارد. این فاجعه هولناک می‌توانست اتفاق نیفتد اگر دولت و کارفرمایان به فکر کارگران می‌بودند. اگر فقط به فکر سود و سود ورزی نمی‌بودند. شرایط ایمنی محیط کار در ایران باید از بیخ‌وبن تغییر کند. کارفرمایان موظف‌اند که تجهیزات پیشرفته و اقدامات ضروری لازم را برای تأمین

ایمنی محیط‌های کار به کار گیرند. تخلف از این امر باید جرم جنایی تلقی شود. کارگران و مجامع عمومی آنها باید نظارت کامل بر شرایط ایمنی کار داشته باشند. اگر ما به فکر هم نباشیم جنایتی که در معدن طبس اتفاق افتاد دوباره و چندین باره تکرار خواهد شد. ضجه‌های همکاران و خانواده‌های کارگران جان‌باخته از طبس بلند است. آنها را به خشم و اعتراض برای تغییر این وضع تبدیل کنیم.

## ترک تحصیل برای نان شب

### کیوان جاوید

روزنامه شرق روز یکشنبه اول مهرماه طی گزارشی نوشته است که: "یک میلیون و ششصد هزار نفر از تحصیل بازمانده‌اند. ترک تحصیل گسترده در بین دانش‌آموزان مخصوصاً پسران به دلایل معیشتی و تهیه نان شب است."

کودکان کار و نوجوانان بی‌آینده ابزار دست سودجویان بی‌عاطف‌های هستند که تنها به پول می‌اندیشند تا اینکه به برکت این دست‌های کوچک سودهای سرشاری به جیب بزنند. این سودجویان حریص و عاری از وجدان بشری البته

در جنگلی که حکومت ساخته است می‌تازند و شکار می‌کنند و می‌درند و ارتزاق می‌کنند.

این جنگل اسلامی به زور اسلحه و زندان و اعدام پاسداری می‌شود تا بنیادش در آتش خشم عمومی و انقلاب اجتماعی به خاکستر تبدیل نشود. در ایران قانون گذاران و مجریان قانون به همین امروز فکر می‌کنند که چگونه می‌شود سریع‌تر، بیشتر و کم‌درد سرتر از هر منفذ جامعه سودی به جیب زد و حجم دزدی و غارت را افزایش داد. چه کسی در این آشفته‌بازار حکومت سرمایه‌داران اسلامی به فکر کودکان و تحصیل و آینده مردم است و چرا باید باشد؟ کودک در این سیستم، بشر نیست همانطور که زن انسان محسوب نمی‌شود،

همانطور که شهروند معنی ندارد. اینجا اینها برای غارت آمده‌اند. آفت‌هایی که به گندمزار زندگی چسبیده‌اند.

این تعرض به کودکان و نوجوانان بازمانده از تحصیل را نباید و نمی‌شود بی‌جواب گذاشت. معلمین و خانواده‌ها اولین لشکریان این نبرد در دفاع از حق تحصیل دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل هستند. همه ما مردم در ایران حق داریم و باید به این حجم عظیم دست‌درازی به امروز و فردای این دانش‌آموزان اعتراض کنیم. ما بسیاریم و حکومتیان اندک. آنها نه پشتوانه مردمی دارند نه قدرت فریب برایشان باقی مانده است و به این خاطر ما در موضع قدرتیم. ما به



این بسنده نمی‌کنیم و درعین حال که اعتراضمان به ترک تحصیل میلیونی دانش‌آموزان است، ما مطالبه‌گر تحصیل رایگان و تأمین مطالبات رفاهی در مدارس برای دانش‌آموزان هستیم. ما در ایران این ثروت و امکان را داریم تا دانش‌آموزان از باکیفیت‌ترین امکانات تحصیلی در جهان برخوردار باشند. برای به‌دست آوردن آن تلاش جمعی کنیم. گذاریم دانش‌آموزان برای تأمین نان شب از تحصیل و زندگی باز بمانند.

## سفر پزشک‌های ایرانی به نیویورک، تکرار بی‌پایان

سینا پدram

روز اول مهر پزشک‌های ایرانی برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل وارد نیویورک می‌شود. رویترز به نقل از "سه مقام آگاه ایرانی" نوشته است که: "پزشک‌های ایرانی در جریان سفر خود برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد این پیام را به غرب خواهد داد که "تهران نسبت به دیپلماسی روی گشاده‌ای دارد."

در تاریخ رژیم اسلامی هیچ چیزی تکرار نمی‌شود. بلکه از یک مضحکه به مضحکه دیگری تبدیل می‌شود. حتی رسانه‌های داخلی رژیم اسلامی نیز

خبر را جدی نگرفته‌اند. خبرگزاری موج دیروز نوشت: «همان‌طور که سفرهای قبلی رؤسای جمهوری به نیویورک قرار نبوده دستاورد شگرفی در عرصه سیاست خارجی کشور داشته باشد، این سفر هم از همان جنس است.»

کلمات انتخاب شده برای توصیف این سفر سیاسی پزشکیان نیز مانند سابق است. «اختیارات محدود پزشکیان»، «مذاکره از موضع قدرت و نه از روی فشار غرب»، «بن‌بست تنش‌آمیز با غرب و مذاکرات هسته‌ای»، «مکانیسم ماشه» همه‌وهمه تکرار مکررات است.

دوباره و یا چندباره زنده کردن لاشه برجام و

بزرگ‌نمایی آن کار هر ساله دولت‌های رژیم اسلامی از روحانی تا پزشک‌یان در خدمت هیچ وظیفه تعریف شده‌ای نیست. مذاکره با "غرب" نه در دوره ظریف قرار بود به فرجام خاصی برسد و نه در دوره عباس عراقچی "معمار اصلی" برجام و وزیر امور خارجه فعلی. در ۱۰ سال گذشته، سنگ روی سنگ سیاست منطقه‌ای و جهانی باقی نمانده است اما رژیم اسلامی همچنان با مردگان سیاسی خود به میدان می‌آید.

از سوی دیگر، تکرار همان دیپلماسی از جانب غرب نیز هیچ چیز جدیدی برای گفتن ندارد. چرخاندن "خطر ترامپ" و کشاندن به میز مذاکره نیز خاصیتی ندارد. دول غربی همواره مماشات را

به عمل مستقیم ترجیح داده و می‌دهند.

اگر انقلاب زن زندگی آزادی نبود، اگر انقلاب به‌عنوان عامل اصلی تحركات سیاسی در ایران جایی نداشت، اگر مطالبات سیاسی و رفاهی مردم به شکل روشنی تدوین نشده بود، اگر "چپ" سیاست را در ایران به "راست" واگذار کرده بود، اگر می‌شد با فرمان و از بالای سر مردم "سیمای سیاسی" را در ایران شکل بخشید، شاید و آن هم فقط شاید برجام می‌توانست سرانجامی داشته باشد. واقعیت سیاسی ایران و آینده رژیم با هر نوع برجامی را از ورای این "اگرها" نمی‌توان تحلیل کرد.

## ۵۰۰ میلیون دلار فقط برای خرید خانه

### پتی دبونیتاس

نتایج یک گزارش تحقیقی نشان می‌دهد که سیف‌الزمان چودھری وزیر پیشین در دولت شیخ حسینه در بنگلادش بیش از ۵۰۰ میلیون دلار برای خرید املاک و مستغلات لوکس در لندن، دبی و نیویورک هزینه کرده است. این وزیر ۵۵ ساله از سال ۲۰۱۶ تنها در بریتانیا، ۳۶۰ خانه خریده است.

داستان زندگی مردم بنگلادش واقعاً اسفناک است. زندگی در فقر مطلق و کشور کارخانجات صنایع پوشاک که کارگرانش با کمترین دستمزد عملاً از زندگی کردن محروم شده‌اند. کشور دزدان در

حاکمیت و کشور حضور نظامیان در همه عرصه‌های زندگی مردم. اینجا فقط بهشت سرمایه‌داران وطنی نیست این کشور برای کمپانی‌های زنجیره‌ای جهان یک موهبت الهی است و کارگرانی که در کارخانه‌ها جان می‌کنند در حد بی‌ارزش‌ترین ابزارهای تولید هستند.

همین دو ماه پیش بود که شورش گرسنگان باعث شد نخست‌وزیر بنگلادش، شیخ حسینیه از قدرت به زیر کشیده شود و به هند فرار کند تا در آن کشور جدید با حجم عظیم غارتش به خوبی و خوشی روزگار بگذراند و آنها که بر سر کار مانده‌اند چیزی جز ادامه راه قبلی‌ها نیستند.

و این وضعیت تنها محدود به بنگلادش نیست. در آن سوی این دنیای رویایی و شیرین سرمایه‌داران، همین امروز با خبر مرگ ۵۰ کارگر در معدن زغال‌سنگ در طبس بیدار شدیم؛ در بریتانیا سوبسید گاز بازنشستگان را برای "مقابله با بحران" و "کسری بودجه" قطع و هزینه بیمه‌های درمانی را محدودتر می‌کنند. در کشورهای دیگر هم داستان این فیلم از روی یک سناریو بازنویسی می‌شود.

هالیوود و بالیوود و دیگر مراکز فیلم سازی برای نمایش فیلم های جنگی دیگر نیازی به نقش بدل ندارند، این جنگ ها با بازیگران حقیقتی در همین دنیا به ترسناکترین وجه ممکن هر روزه بر پرده زندگی ظاهر می شوند. بمباران و موشکباران



کودکان و مردم بی‌دفاع در غزه و عملیات ترسناک تروریست‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه و جنگ‌های ویرانگر در آفریقا از این نمونه‌اند. فقر و عذاب در همه‌جا و از جمله بستن شدید کمریندها در همین اروپا، این آخرین سنگر سرمایه‌داری با ژست چهره‌مهربان، حقیقت محض جهان ما است.

دنیا حقیقتاً نیازمند سوسیالیسمی است که انسان را به انسانیت خود بازگرداند تا همه دارایی‌های جهان به همه مردم تعلق بگیرد. در غیر این صورت این بربریت مدرن، ما را به آخرین طبقه در قعر جهنم می‌برد.

## حزب الله در دام مرگ

سوال از محسن ابراهیمی

در ادامه کشتن سران حزب الله در لبنان ارتش اسرائیل می گوید در حمله روز جمعه ۳۰ شهریور، ۲۰ سپتامبر ۱۶ مقام و فرمانده ارشد حزب الله نیز در میان کشته شدگان هستند. پیش تر حزب الله از کشته شدن ابراهیم عقیل از فرماندهان ارشد حزب الله و احمد وهبی، از فرماندهان گردان رضوان در این حمله خبر داده بود. در همین رابطه موقعیت حزب الله و جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار می دهیم.

**کیوان جاوید:** آیا درو شدن فرماندهان حزب الله

فقط به قدرت اطلاعاتی و نفوذ اسرائیل مربوط است یا بیانگر موقعیت جمهوری اسلامی در ایران و لبنان هم می‌شود؟

**محسن ابراهیمی:** هنوز سران جمهوری اسلامی در باره انتقام سخت از قتل اسماعیل هنیه در تهران، قتل فرماندهان و شخصیت‌های کلیدی امنیتی، نظامی و لجستیکی نظام اسلامی و حزب‌الله در سوریه و لبنان لاف توخالی می‌زنند که انفجار همزمان قریب سه هزار پیجر متعلق به نیروهای حزب‌الله در سراسر لبنان، و با فاصله‌ای کوتاه حمله هوایی به تجمع فرماندهان ”یگان رضوان“ حزب‌الله و کشتار تعداد زیادی از فرماندهان این یگان اتفاق افتاد. اینها بی‌تردید حاکی از نفوذ

و اشراف اطلاعاتی گسترده موساد در ساختار امنیتی جمهوری اسلامی و حزب‌الله است.

این اشراف اطلاعاتی صرفاً محصول برتری تکنیکی دولت اسرائیل در مقابل جمهوری اسلامی و حزب‌الله نیست. فاکتورهای عمیق‌تر سیاسی دخیل هستند که مهم‌ترینش موقعیت بحرانی و متزلزل جمهوری اسلامی در ایران و به تبع آن موقعیت متزلزل حزب‌الله در لبنان است.

دولت اسرائیل با دشمنی طرف است که نه تنها در میان مردم منفور است، بلکه از طرف همان مردم با چالش سیاسی در ابعاد انقلابی مثل "انقلاب زن زندگی آزادی" مواجه است. مردم

لبنان هم که خاطره دردناکی از کشمکش‌های  
فرقه‌ای نیروهای اسلامی و مسیحی دارند، از نقش  
حزب‌الله در کشاندن کشور به قعر یک نابودی  
جدید در جهت سیاست‌های جمهوری اسلامی  
بشدت نگران و با آن مخالف هستند.

حکومت اسلامی و به تبع آن حزب‌الله ضربه‌پذیر  
هستند چون - مخصوصاً رژیم اسلامی در ایران  
- در میان مردم زیر ضرب است و در میان مردم  
جایی ندارد. همه می‌دانند که در مقابل عربده‌های  
مرگ بر آمریکا و اسرائیل در مراسم فرمایشی  
حکومتی، مردم هرجا فرصتی گیر می‌آورند شعار  
می‌دهند

”دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گند آمریکاست!“

تزلزل ایدئولوژیک - سیاسی در میان حتی رده‌های بالای نظامی - امنیتی حکومت اسلامی را هم به این اضافه کنید. فساد در همه سلول‌های جمهوری اسلامی لانه کرده است. مدت‌هاست که حتی در میان سرداران سپاه، "مرگ بر آمریکا و اسرائیل" تبدیل به پوششی سیاسی برای قاچاق و چپاول تبدیل شده است. مخصوصاً بعد از انقلاب "زن زندگی آزادی" که حکومت اسلامی را به لبه پرتگاه سرنگونی راند، حتی در میان سرداران سپاه هم نجات ثروتشان در مقابل نجات نظام اولویت پیدا کرده است. قدرت و نفوذ اطلاعاتی اسرائیل اساساً به وضعیت متزلزل حکومت اسلامی مربوط است که مردم علیه‌اش به پا خاسته‌اند.

**کیوان جاوید:** در این اوضاع بحرانی که رژیم در داخل ایران گرفتار آن است چگونه می‌شود عرصه را بر رژیم تنگ‌تر کرد؟

**محسن ابراهیمی:** جامعه ایران مدت‌هاست در آستانه یک تحول عمیق سیاسی قرار دارد. کمتر کشوری در جهان هست که در فاصله کوتاهی چهار خیزش بزرگ با شعار مرگ بر رهبر سیاسی و ایدئولوژیک آن و باهدف روشن سرنگونی رخ دهد. جدا از خیزش‌های سال ۸۸ و دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸، انقلاب “زن زندگی آزادی” دیگر جای تردیدی حتی برای سران حکومت هم باقی نگذاشته است که نبرد آخر در قالب یک انقلاب

تمام‌عیار آغاز شده است.

جوش و خروش در همه بخش‌های جامعه معترض برای هر چه باشکوه‌تر برگزار کردن دومین سالگرد انقلاب "زن زندگی آزادی" معلوم کرد که بازیگران آن انقلاب عزم دارند سرنگونی حکومت اسلامی را به سرانجام برسانند. واکنش هیستریک و نگران حکومت در آستانه دومین سالگرد انقلاب هم به اندازه کافی گویا بود. حکومتی که به تمام دنیا شاخ و شانه می‌کشد، تمام نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و سپاه و یگان‌های ویژه و نیروهای انتظامی‌اش را بسیج کرد تا سالگرد انقلاب مردم به روز نابودیش تبدیل نشود.



یک وجه مهم اتفاقات دومین سالگرد انقلاب این بود که همه نیروهای معترض علیه نظام اسلامی، زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران، بازنشستگان، کشاورزان، دادخواهان، تشکلهای متنوع کارگری و مدنی و زندانیان زیر احکام سنگین از جمله احکام اعدام، همه و همه یکپارچه با بیانیهای متعدد، با بیانیهای مشترک، با اعتصاب و اعتراض اعلام کردند علیه نظام فقر و فساد "ما همه با هم هستیم!"

هر چقدر فعالین و پیشروان و نیروهای فعال این اعتراضات حق طلبانه با خواستههای پیشرو و مدرن و انسانی متحدتر و هماهنگتر و سراسریتر به مصاف حکومت اسلامی بروند، نه تنها عرصه بر

رژیم تنگ‌تر خواهد شد، بلکه توازن قوا به نفع  
جنبش عظیم سرنگونی حکومت، شرایط برای  
زدن آخرین ضربه به حکومت اسلامی و به فرجام  
پیروز رساندن انقلاب "زن زندگی آزادی" فراهم‌تر  
خواهد شد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: [journalfarsi@gmail.com](mailto:journalfarsi@gmail.com)

اینستاگرام:

[www.instagram.com](http://www.instagram.com)

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

[https://twitter.com/Journal\\_Farsi](https://twitter.com/Journal_Farsi)

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال